

## آمریکا و سیاست جدید انرژی



معقول است. اما به عقیده بن لیبرمن، کارشناس انرژی بنیاد هریتیج، چاو نباید مرتکب اشتباه شده و در اوپک این احساس را ایجاد کند که کاهش دوباره تولید آن برای آمریکا اهمیتی ندارد.

اوپک پیش از این با کاهش تولید نفت به میزان چهار میلیون و ۲۰۰ هزار بشکه در روز موافقت کرده است تا بدین وسیله با کاهش پیوسته قیمت‌های نفت مقابله کند. همچنین کشورهای عضو این سازمان گفته‌اند که ممکن است باز هم تولید خود را کاهش دهند. کارشناسان معتقدند که افزایش دوباره قیمت‌ها می‌تواند بهبود وضعیت اقتصادی جهان را با مانع روبه‌رو کند. لیبرمن می‌گوید: چاو باید می‌گفت به نفع مردم آمریکا است که اوپک دوباره تولید خود را کاهش ندهد. بیل ریچاردسون، آخرین وزیر انرژی دولت دموکرات‌ها که در حال حاضر فرماندار نیومکزیکو است تا آنجا پیش رفت که در جریان یکی از نشست‌های اوپک در آخرین لحظات نشست اعضای این سازمان در مورد پرهیز از کاهش تولید نفت با آنان به رایزنی پرداخت. اما در شرایطی که تولیدکنندگان نفت به دلیل کاهش قیمت‌ها و کاهش تقاضا از کاهش درآمدهای نفتی خود رنج می‌برند، حتی اگر چاو موضع سرسختانه‌ای اتخاذ می‌کرد، در مورد اینکه اوپک در نشست خود چه تصمیمی باید بگیرد، قدرت مانور اندکی می‌داشت.

جری تیلور در مؤسسه کاتو می‌گوید: وظیفه اوپک به حداکثر رساندن درآمدهای نفتی است و شواهدی وجود ندارد که تشویق و ترغیب آمریکا توانسته باشد اوپک را از این کار بازدارد. وی معتقد است: سیاست ناله کردن، خواهش کردن، تهدید کردن و اوقات تلخی، مایوس‌کننده و مخرب است. وی می‌گوید: این بدان معنا نیست که چاو درک درستی از موضوع ندارد، بلکه به آن دلیل است که چاو یک سیاستمدار نیست و برای یک وزیر انرژی به هیچ وجه بد نیست که سیاست را به کسان دیگری واگذارد.

منبع: روتیز

گویا سیاست انرژی دولت اوباما در مقایسه با دولت‌های قبلی تغییر کرده است. به نظر می‌رسد سخنان اخیر استیون چاو، وزیر انرژی آمریکا بیانگر تغییری ژرف در سیاست انرژی این کشور باشد. شواهد گویای آن است که سیاست جدید آمریکا در زمینه انرژی بر دوری‌گزیدن از تمرکز بر اوپک و عرضه نفت استوار است. همچنین به نظر می‌رسد وزارت انرژی آمریکا برنامه جدیدی را در دستور کار قرار داده است که هدف آن کاهش تقاضای نفت و افزایش نقش انرژی‌های جایگزین در داخل است. وزیر انرژی آمریکا اخیراً با گفتن اینکه اوپک در "حوزه" مسئولیت‌های شغلی وی قرار نمی‌گیرد، موجبات شگفتی بسیاری را فراهم آورد. وی همچنین تأیید کرد که از موضع دولت آمریکا در قبال تصمیم احتمالی اوپک در مورد کاهش دوباره تولید اوپک در نشست ۱۵ مارس (۲۵ اسفند) بی‌اطلاع است. این اظهارات در تضاد آشکار با مواضع برخی وزیران انرژی پیشین آمریکا است که به طور معمول در مورد افزایش عرضه نفت اوپک با اعضای این سازمان رایزنی می‌کردند. سخنان چاو همچنین از شواهد بیشتری حکایت دارد مبنی بر اینکه این فیزیکیان برنده جایزه نوبل در وزارت انرژی آمریکا اقدام به سنت‌شکنی کرده است. جیم ریترباخ، رئیس مؤسسه "ریترباخ اند آسوشیتدس" در گالنا در ایلی نویز، می‌گوید: ما بیش از ۴۰ سال است که با اوپک کلنجار رفته‌ایم و در کنترل آنان هیچ دستاوردی نداشته‌ایم. وی می‌افزاید: چاو، وزیر انرژی جدید آمریکا نشان داده است که قصد ندارد بر نفت خاورمیانه تأکید کند و روشن است که ما به سوی مسیر سبتری (استفاده بیشتر از انرژی‌های تجدیدپذیر) در حرکتیم.

در حالی که دیگران برای تأمین تقاضای فزاینده نفت آمریکا بر تضمین واردات و افزایش تولید در داخل تأکید دارند، وزیر انرژی جدید آمریکا گفته است که وی بر نقش بیشتر انرژی‌های تجدیدپذیر، ارتقای راه‌های صرفه‌جویی در انرژی و مبارزه با گرم شدن هوا تأکید خواهد کرد. استیون چاو هفته گذشته با اشاره به بودجه جدید دولت اوباما گفت: سرمایه‌گذاری در پژوهش‌های نوین، احداث خانه‌ها و شرکت‌هایی که کارایی انرژی بیشتری دارند و استفاده از سایر انرژی‌ها از جمله انرژی خورشیدی، انرژی بادی، توده‌های زیستی و سایر انرژی‌های پاک، .... به تضمین اینکه آمریکا یک بار دیگر جهان را به سوی مقابله با چالش‌های اقتصادی، انرژی و آب و هوایی جهان سوق خواهد داد، کمک خواهد کرد. اشتفانی مولر، سخنگوی وزارت انرژی آمریکا می‌گوید: دولت آمریکا امیدوار است تغییر جهت در سرمایه‌گذاری، میلیون‌ها شغل ایجاد کند و در همان حال وابستگی کشور را به نفت خارجی کاهش دهد. گی کاروسو، رئیس پیشین اداره اطلاعات انرژی آمریکا که اکنون مشاور ارشد انرژی در مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌المللی است می‌گوید: چاو بسیار با هوش است. به عقیده وی سیاست چاو مبنی بر تمرکز بر انرژی‌های تجدیدپذیر و کارایی انرژی در درازمدت،

میانه می‌تواند از طریق دریای خزر به بنادر سوخومی و باتومی در گرجستان و در کناره دریای سیاه راه یابد. ولیکن این مسیر به لحاظ هزینه و مسافت قابل رقابت با راه‌های ایران نیست و وجود مناقشات سیاسی و نظامی در منطقه قفقاز نیز بهره‌برداری از این راه را با دشواری‌های امنیتی خاص مواجه است. از سوی دیگر استفاده از مسیر پاکستان نیز به دلیل بحران داخلی در افغانستان میسر نیست و بعید است سرمایه‌گذاران خارجی تا قبل از برقراری یک صلح پایدار در این کشور اقدام به سرمایه‌گذاری جهت احداث جاده در آن کنند. اما ایران نیز به عنوان پل ارتباطی بین این دو منطقه راه مناسبی است البته اگر فشارهای سیاسی و انگیزه‌های امنیتی دیگر کشورها اجازه تصمیم‌گیری نهایی را بدهد.

محمود احمدی نژاد در دیدار با نورسلطان نظربایف اظهارداشت: هم اکنون تهران و آستانه همکاری‌های خوبی را در زمینه انرژی دارند اما با برنامه‌ریزی در توسعه پتروشیمی و نیز انتقال انرژی و زمینه‌های بالادستی انرژی اعم از اکتشافات و توسعه صنایع انرژی می‌توان این همکاری‌ها را گسترش داد. او روابط دو کشور را رو به گسترش توصیف و تصریح کرد: من آینده روابط را روشن می‌بینم. رئیس جمهور ایران حتی در پاسخ به سؤال خبرنگاری اعلام کرد: تهران از حضور قزاقستان در همه مجامع جهانی به خصوص اوپک حمایت می‌کند.

به هر حال باید دید قزاق‌ها در آینده چه تصمیمی خواهند گرفت آنها به دنبال ایجاد تنوع در مسیرهای انتقال انرژی است و این موضوع که اهمیت زیادی برای قزاق‌ها دارد، برای آنها مسیر انتقالی از ایران، مسیری جدید نیست. از سال ۱۹۹۷ میلادی، قزاقستان همکاری با ایران برای سوآپ نفت را آغاز کرد و نفت قزاقستان توسط تانکر به بنادر شمالی ایران در خزر انتقال داده شد و ایران نیز در بنادر خلیج فارس با همان حجم نفت خود را به کشورهای واردکننده به نفع قزاقستان عرضه کرد. البته این امکان هم وجود دارد که قزاقستان از چنین روشی در عرضه گاز مابع نیز استفاده کند و اگر استخراج منابع سوختی در خزر افزایش یابد، بسیار راحت تر است که از سوآپ استفاده شود تا اینکه پروژه‌هایی گران‌قیمت برای انتقال منابع سوختی از خزر احداث شوند.

سال گذشته تهران و آستانه مذاکراتی در رابطه با ساخت خط لوله قزاقستان - ترکمنستان - ایران (خلیج فارس) آغاز کردند و مسیر ایرانی به قزاقستان اجازه می‌دهد که به خلیج فارس راه یافته و به بازارهای آسیایی دسترسی یابد. انتظار می‌رود که در آینده این خط لوله به شبکه خط لوله‌های انتقال نفت ایران وصل شود تا نفت قزاقستان به جزیره خارک در خلیج فارس و پس از آن به مصرف‌کنندگان در جنوب شرق آسیا منتقل شود. البته تاکنون روابط تیره و مناقشه‌آمیز ایران و آمریکا مانع اجرای واقعی توافقات‌ها و اسناد همکاری در زمینه انرژی شده است. ایران می‌داند که افزایش ظرفیت تولید نفت قزاقستان فرصت استراتژیکی است برای انتقال آن و قزاقستان هم می‌داند راه بهتر و هموارتر از خاک ایران می‌گذرد اما مشکل اینجاست که دیگران موش می‌دوانند!